



آتش بسی که آتش بس نیست



سرمقاله

امنیتی شود روندی که عملاً به نفع اسرائیل عمل می‌کند. سوم آن که همکاری نزدیک آمریکا با اسرائیل در مدیریت دوره‌های آتش بس، نشان می‌دهد که این دوره‌ها تحت پوشش سیاسی و امنیتی ویژه طراحی می‌شوند و نمی‌توان آن را یک فرایند خنثی یا بی‌طرفانه تلقی کرد.

در چنین شرایطی لزوم هوشیاری مستمر برای نهادهای امنیتی و نظامی یک ضرورت راهبردی است. این هوشیاری الزاماً به معنای تشدید دائمی تنش نیست، بلکه مستلزم حفظ سطح پایدار رصد، بازبینی دوره‌ای دستورالعمل‌های حفاظتی، تقویت پوشش‌های ارتباطی و توجه ویژه به رفتارشناسی میدانی اسرائیل است. تناقض ظاهری آتش بس‌ها (سکوت بیرونی و پویایی اطلاعاتی درونی) دقیقاً همان چیزی است که رژیم صهیونیستی بر آن تکیه می‌کند و باید به صورت ساختاری و دائمی پایش و مدیریت شود. ■

مختصات عملیاتی است. ترور هیثم علی طباطبائی دقیقاً محصول چنین روندی است. الگوی عملیاتی اسرائیل نشان می‌دهد که این رژیم در دوره آتش بس، شکلی از «نبرد کم‌صدا» شامل پروازهای مداوم شناسایی، رهگیری ارتباطات، جمع‌آوری داده‌های انسانی از طریق شبکه‌های محلی و تحلیل تغییر آرایش فرماندهی رافعال نگه می‌دارد. بنابراین آتش بس در نگاه تل آویو، نه توقف جنگ و درگیری بلکه تغییر مرحله و شیوه تقابل است. به‌همین دلیل انتظار پایبندی اسرائیل به آتش بس یک خطای محاسباتی آشکار محسوب می‌شود.

درس‌های عملیات اخیر برای ساختارهای امنیتی و نظامی منطقه روشن است. نخست آن‌که تجربه نشان می‌دهد اسرائیل در دوره‌های آتش بس بیشترین دستاورد اطلاعاتی را کسب می‌کند. دوم آن‌که اتکا به سکوت ظاهری میدان می‌تواند موجب کاهش حس تهدید، تداوم روند عادی حفاظتی یا ساده‌سازی تدابیر

است. حمله متجاوزانه اسرائیل به عمق ضاحیه جنوبی و هدف‌گیری مستقیم یکی از فرماندهان کلیدی حزب‌الله، بار دیگر این واقعیت را آشکار کرد که اسرائیل هیچ‌گاه آتش بس را به معنای آرامش و توقف جنگ نمی‌داند. برای تل آویو، دوره‌های آتش بس چه در غزه و چه در لبنان بخشی از چرخه عملیات اطلاعاتی و میدانی است که کارایی آن برای رژیم سال‌هاست به اثبات رسیده است. تحلیل داده‌های میدانی نشان می‌دهد اسرائیل در دوره آتش بس پس از جنگ غزه و همچنین پس از درگیری‌ها در لبنان، مجموعه‌ای از فعالیت‌های اطلاعاتی گسترده را دنبال کرده است. کاهش نسبی شدت درگیری‌ها، فضای روانی آرامش نسبی و محدود شدن اقدام‌های تهاجمی، این تصور را ایجاد می‌کند که تهدید کاهش یافته است، اما برای سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، همین وضعیت بهترین بستر برای به‌روزرسانی بانک اهداف، رصد الگوهای تردد، پایش پوشش‌های حفاظتی و تصحیح

﴿﴾ هیثم علی طباطبائی فرمانده ارشد حزب‌الله لبنان روز یکشنبه دوم آذرماه در جریان حمله هوایی رژیم صهیونیستی به ضاحیه جنوبی بیروت، همراه با چند نفر از هم‌زمانش ترور شد و به شهادت رسید. شهید طباطبائی یکی از برجسته‌ترین فرماندهان میدانی حزب‌الله بود. او از نسل دوم مؤسسان حزب‌الله، فرمانده یگان نخبه رضوان و معمار «پرونده جولان» به شمار می‌رفت. طباطبائی سابقه‌ای طولانی در نبردهای لبنان، سوریه و یمن داشت. اسرائیل شهید طباطبائی را «رئیس ستاد نظامی حزب‌الله» توصیف کرده است. این فرمانده ارشد حزب‌الله چند بار از ترور جان سالم به‌در برده بود و از سال ۲۰۱۶ در فهرست تروریستی آمریکا قرار داشت. جایگاه او در ساختار فرماندهی مقاومت، این ترور را به یکی از مهم‌ترین رخدادهای امنیتی لبنان تبدیل کرد. اما اهمیت ماجرا تنها در ترور یک فرمانده برجسته نیست؛ پیام اصلی در زمان، مکان و شیوه عملیات نهفته

﴿﴾ الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. الله اکبر. از دلایر مردان و شجاعان و قهرمانان سرزمینم کمال تشکر و قدردانی را دارم. و هر لحظه و هر آن و در هر


 این مرکز رسانه‌ای است

روایت دیدار
نذری برای هشت سالگی

﴿﴾ آخرهای سخنرانی رفتم توی صف. شب‌هایی که آقیاباید روضه، خانم‌های شبستان صف می‌بندند تا ز دور چشم‌شان به دیدن آقا روشن شود. بی‌هواسرمی چرخاندم که پشت سرم زن جوان را دیدم. ذوقش پاشید توی صورتم: «!! شما یید؟» حین وضووقتی فهمیده بودم از قزوین آمده، قول گرفته بودم بیشتر حرف بزنیم. ولی بعد گمش کرده بودم. همان سرپا، رج‌های صحبت را سرانداختم. سفر دوستانش که لغو شده بود، اضطراب افتاده بود به دلش: «(اونقدر امام حسین رو صدا کردم...) دخترش، زینب، هم بین ما ایستاده بود. دومین دورش بود که توی صف می‌ایستاد. مدام سرک می‌کشید ببینید صف جلومی‌رود؟ این ذوق برایم تازگی نداشت. همه اینجا همین حس را داشتند، بچه‌ها دوبیشتر! چیزی که عجیب بود نذر این دختر هشت ساله بود. ۲۳ رمضان امسال مکلف می‌شود. مادرش گفت نذر کرده قبل از آن روز یک بار آقا را از نزدیک ببیند و محکم بغلش کند. اینکه یک بچه چنین آرزویی داشته باشد و به خاطرش نذر هم کند کافی بود تا متعجب شوم. پرسیدم «(یعنی آقا رو اینقدر دوست داری؟)» ته کاسه‌ی چشم‌هایش نم‌دار شد و سکوت کرد. بعد یک دفعه تددتند گفت: «(!! خاله بروجلو، صف خالی شد.)»
 ■ خرده‌روایتی از مراسم شب چهارم عزاداری فاطمیه ۱۴۰۴ در بیت رهبری



یک ایران، همدل است
نوای ایران ای سرای امید در حسینیه امام خمینی

﴿﴾ حاج محمود کریمی در چهارمین شب عزاداری ایام فاطمیه در حضور رهبر انقلاب نوای ایران ای سرای امید را خواند:
 ایران ای سرای امید! بر بامت، سپیده دمید / ای حرم آل پیمبر! ای کشور ساقی کوثر!
 ایران ای سرای امید بر بامت سپیده دمید / بنگر کرین راه پر خون خورشیدی خجسته رسید



﴿﴾ دسته‌گل‌های تسلیمیت دورتادور اتاق چیده شده و قاب عکس چهارنفره‌ی یاسمین، پدر، مادر و برادرش به مهمان‌ها خیرمقدم می‌گوید. مرد انگشت شستش را روی پیشانی فشار می‌دهد. چشم‌هایش را می‌بندد و باز می‌کند. سرش را بالا می‌آورد. دست‌هایش را روی هم می‌گذارد و می‌گوید: «خواهرزاده‌ام یاسمین، ۲۳ سالش بود؛ دانشجوی سال دوم کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر در گرایش معماری دانشگاه صنعتی شریف. در حال آماده کردن پایان‌نامه‌اش بود. پروژه‌اش در زمینه‌ی اینترنت اشیا (IoT) و بهینه‌سازی استفاده از دستگاه‌های متصل به این فناوری بود. با جدیت در تلاش بود تا پایان‌نامه‌اش را تمام کند و در تابستان ۱۴۰۴ فارغ‌التحصیل شود. استفاده از وقتش خیلی برایش اهمیت داشت؛ منضبط و هدفمند بود. می‌گفت: می‌خواهم به جایی برسم که بتوانم کارآفرینی کنم و دیگران را زیر پروبال خودم بگیرم.» نگاه مرد روی عکس قاب گرفته‌ی یاسمین ثابت می‌ماند. تندتند پلک می‌زند تا اشکش سرازیر نشود: «(دختری آرام و پرتلاش که در سحرگاه ۲۳ خرداد آسمانی شد.)» نام شهیده یاسمین باکویی برای همیشه در دانشگاه صنعتی شریف زنده خواهد ماند.

﴿﴾ سیده اعظم الشریعه موسوی